

# معلمان و پیشمندان

## جهانبخش رحمانی

### مقدمه

تعلیم و تربیت و برعهده گرفتن آن و در واقع معلمی مسؤلیتی است که به دور از اغراق و گزافه‌گویی مقدس‌تر و مهم‌تر از آن را نمی‌توان سراغ گرفت. در اهمیت و نقش معلمی همین بس که یگانه خالق و مربی جهان و انسان در قرآن می‌فرماید: «و علم ادم الاسماء کلها... و خدای عالم همه‌ی اسماء را به‌آدم تعلیم داد.» (بقره، آیه‌ی ۳۱)

از این آیه و آیات قبل و بعد از آن می‌توان به این معنا دست یافت که برای خداوند تبارک و تعالی بعد از خلقت، امری مهم‌تر از تعلیم نبوده است. این معنا را با دقت در آیات اول تا پنجم سوره‌ی علق نیز می‌توان فهمید. آن‌جا که می‌فرماید: «اقرأ باسم ربک الذی خلق الانسان من علق. اقرأ و ربک الاکرم. الذی علم بالقلم. علم الانسان ما لم یعلم. بخوان به نام پروردگارت که آفریننده است. آن خدایی که آدمی را از خون بسته آفرید. بخوان و بدان که پروردگارت کریم‌ترین کریمان عالم است. هم او که علم نوشتن به قلم آموخت. آموخت به انسان آن‌چه را نمی‌دانست.» توجه به دو نکته در رابطه با آیات فوق اهمیت امر مهم تعلیم را گوشزد می‌کند. نکته‌ی اول این‌که در این سوره خداوند خود را با کلمه‌ی رب یعنی پروردگار (مربی و پرورش دهنده) معرفی می‌کند و نکته‌ی دوم این‌که خداوند حرکت و بعثت پیامبر اسلام (ص) را با فرمان اقرأ یعنی بخوان، اعلام می‌نماید. این معنا را می‌توان از این حدیث پیامبر (ص) دریافت که می‌فرمایند (انما بعثت معلما) همانا ما معلم بر انگیزخته شدیم و نکته‌ی آخر در اهمیت و تقدس حرفه‌ی معلمی ذکر این جمله از حضرت علی (ع) است که می‌فرمایند: «من علمنی حرفاً فقد سیرنی عبداً». آن کسی که به من حرفی یاد دهد به تحقیق که مرا بنده خود کرده است.

بزرگ‌ترین و شگفت‌آورترین سرمایه‌های بی‌نظیر و ارزشمند انسانی همانا مغزهای سالمی هستند که هر یک با میلیاردها سلول عصبی و بی‌نهایت ارتباطات نورنی، تشکیل شبکه‌ی پیچیده‌ای از ارتباطات نورنی را امکان‌پذیر می‌سازند و از همین رهگذر آدمی می‌تواند رفتارهای هوشمندانه‌ای از خود نشان دهد و با به‌کارگیری هوش و قابلیت‌های مغزی خود، جهان پیرامون را به‌تسخیر در آورد و به این مقدار نیز اکتفا نکند و کرات دیگر را سیر نماید و انگیزه‌ی اکتشاف خود را ارضا نماید. چنین سرمایه‌های ارزشمند و بی‌نظیر به‌دست نظام آموزشی و معلمان جامعه سپرده می‌شوند تا پرورش یابند و از به‌هدر رفتن آنها و یا بی‌استفاده و دست نخورده ماندن آنها جلوگیری به‌عمل آید. آن‌چنان‌که نظامی در یک بیت شعر زیبا این معنا از تعلیم و تربیت را گوشزد می‌نماید که:

پدر ترتیب کرد آموزگارش که تا ضایع نگردد روزگارش  
«تجربه‌های بشری ثابت نموده است که دست‌یابی جوامع به توسعه‌ی همه جانبه و پایدار، گردن‌های صعب‌العبور عطف توجه به‌عامل انسانی و کوشش در جهت نقد کردن سرمایه و ذخایر بالقوه‌ی انسانی را پیش رو دارد. آن میزان که سرمایه‌های انسانی در طی هر چه سریع‌تر و توأم با دوام این طریق نقش دارند، سرمایه‌های مادی و ذخایر و منابع زیرزمینی نقش ایفا نمی‌کنند» (مهر محمدی، ۱۳۸۲). چه بسیارند جوامعی که از کم‌ترین میزان ذخایر و منابع زیرزمینی بر خوردارند، اما با برنامه‌ریزی صحیح و اهمیت دادن به‌منابع انسانی و پرورش آنها، از جوامعی که دارای ذخایر مادی فراوانند و کم‌ترین اهمیتی به‌منابع انسانی و پرورش آنان نداده‌اند و از امر مهم تعلیم و تربیت غفلت کرده‌اند، گوی سبقت ربوده‌اند و به‌پیشرفت و توسعه‌ی همه جانبه‌ای در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نائل آمده‌اند. کشور ما از جمله کشورهایی است که هم از منابع و ذخایر نسبتاً فراوان مادی و

«نفوذ معلم می‌تواند بی‌انتهای باشد. اندیشه‌هایش ممکن است بر هزار تن اثر بگذارد، موجب تغییر عمقی در تمدن شود و پیشروان عالم بشری را پرورش دهد.» (مایر، ترجمه‌ی فیاض، ص ۵۴)

زیرزمینی برخوردار است و هم از منابع ارزشمند انسانی و به اصطلاح «منابع روزمینی» لکن به نظر می‌رسد که از زمان‌های گذشته تا کنون بیشترین اهمیت را به کشف و استخراج منابع زیرزمینی و مادی داده‌ایم تا منابع انسانی و رو زمینی. اگر چه تعلیم و تربیت نسل‌های بعدی و به اصطلاح فرزندان مورد توجه بوده، اما نه به معنای گسترده و واقعی آن، بلکه به معنای محدود انتقال دانش و اطلاعات گذشتگان به نسل‌های جدید و تأکید بر تقویت مهارت‌های به ذهن سپاری به جای تشویق و فراهم‌سازی زمینه‌های ابتکار و خلاقیت و نوآوری و دستیابی به دانش و تکنولوژی جدید، در حقیقت بیشتر از آن‌که تولید کننده‌ی علم و دانش باشیم به صورت مصرف کننده‌ی در آمده‌ایم که ترجمه و اقتباس از تولیدات دیگران را رویه‌ی معمول و به اشتباه آن را فعالیت علمی پژوهشی تلقی می‌نمایم.

«بشر امروز به خوبی دریافته است که تحول در آموزش و پرورش پیش‌نیاز است برای پاسخ‌گویی به چالش‌های علمی، صنعتی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی و دستیابی به توسعه‌ی پایدار» (مهر محمدی ۱۳۷۹). مشکل اساسی جوامع از جمله جامعه‌ی ما این است که با آنکه به نقش اساسی آموزش و پرورش و تحول آن در حل مشکلات اساسی جامعه و دستیابی به توسعه‌ی همه جانبه و پایدار، علم و آگاهی داریم، اما هنوز به عنوان یک اعتقاد راسخ آن را نپذیرفته‌ایم و از کم‌ترین اقدامی در این زمینه دریغ کرده‌ایم و در حد شعار باقی مانده‌ایم. مشکلات و معضلات اساسی نظام آموزشی خود را یا مورد توجه قرار نداده‌ایم و یا به سادگی از کنار آنها گذشته‌ایم و یا فعلاً آنها را انکار کرده‌ایم.

«به اعتقاد متخصصان و دانشمندان علوم تربیتی از مجموع نهادها و ساختارهای اجتماعی، نهاد تعلیم و تربیت اولویت و اهمیت بیشتری دارد و در درون این نهاد اولویت اول باید به معلم تعلق گیرد. چون کارگزار اصلی تعلیم و تربیت معلم است و تحقق اهداف متعالی نظام تعلیم و تربیت با واسطه معلم صورت می‌پذیرد» (مهر محمدی ۱۳۷۹).

مؤلف کتاب تاریخ اندیشه‌های تربیتی در مورد نقش اساسی و مهم معلمان می‌نویسد:

«امروزه معلمان آمریکایی مایه‌ی امید جامعه هستند. ما با این انتظار به تربیت می‌نگریم که مشکلات گیج کننده‌ی عصر ما را حل کند. خطر جنگ، لطمات بزهکاری جوانان، بحران زناشویی، ازدیاد بیماری‌های روانی و تمام مشکلات این چنینی فقط از راه تمرکز قوا و منابع در تربیت قابل علاج است» (ترجمه فیاض ص ۵۲). توفیق برنامه نظام آموزشی در هر کشور بسته به وجود معلمانی است که از صلاحیت‌های معلمی و مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای لازم برخوردار باشند (عابدی و عریضی ۱۳۸۲).

فیلیپ کومیز در کتاب بحران جهانی تعلیم و تربیت می‌گوید: «معلم بعد از شاگردان مهم‌ترین عوامل ورودی دستگاه مدرسه‌ای را تشکیل می‌دهند» (به نقل از میرشاه‌جعفری، ۱۳۸۰ ص ۲۹). تعامل مستمر و چهره به چهره‌ی معلم با دانش‌آموزان، وی را در موقعیت ممتاز و منحصر به فردی قرار می‌دهد که هیچ انسان دیگری از چنین موهبتی برخوردار نیست. نه تنها تحلیل‌های منطقی و کارشناسانه، بلکه پژوهش‌های گوناگون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز صحت این مدعا را به اثبات رسانده‌اند (مهر محمدی، ۱۳۷۹).

با ذکر این مقدمه باقیمانده‌ی بحث خود را در دو بخش ادامه می‌دهیم: ابتدا مروری بر وضعیت کنونی تعلیم و تربیت، به ویژه موقعیت معلمان با عنایت به مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور داریم، سپس به چشم‌انداز آینده و انتظارات و امیدها در مورد نقش معلم در تعلیم و تربیت می‌پردازیم.

### بررسی وضعیت موجود

اگر چه نقش و جایگاه والای تعلیم و تربیت در پیشرفت و تکامل تمدن بشری برای تمام جوامع انسانی روشن و خالی از شک و تردید است و اگر چه در نظام تعلیم و تربیت یک جامعه، معلم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، لکن جای بسی تأسف و تأثر است که نتایج مطالعات و پژوهش‌های به عمل آمده و تحلیل‌های منطقی، حاکی از آن است که این یک شعاری بیش نبوده و اقدام بایسته‌ای در این زمینه صورت نگرفته است. متخصصان و پژوهشگران جوامعی که به این نقص بزرگ و در واقع این کم توجهی

به‌تعلیم و تربیت و به‌ویژه تربیت معلمان علاقمند و مؤثر پی‌برده‌اند با به‌صدرا در آوردن زنگ‌های خطر، سیاستمداران و دولتمردان خود را از این خواب غفلت بیدار نمودند و به‌صراحت اعلام کردند که بقا و دوام جامعه و پیشرفت و ترقی آن در ابعاد مختلف مرهون بیداری آنان و توجه به‌امر تعلیم و تربیت خواهد بود. نمونه‌ی آن اجلاس کمیسیون ملی آمریکا برای اعتلای آموزش و پرورش بود که در سال ۱۹۸۱ برگزار شد و منجر به‌گزارش تکان دهنده‌ای گردید که در سال ۱۹۸۳ با عنوان ملتی در معرض خطر انتشار یافت. این گزارش پس از بیان بررسی‌ها و اعلام نشانه‌های خطر به‌مسئولان آموزش و پرورش کشور هشدار داد و آنان را موظف کرد برای رفع نارسایی‌ها به‌چاره‌جویی بپردازند. در این گزارش آمده است:

«ملت ما با یک خطر جدی مواجه است. برای اولین بار، بازرگانی، صنعت، علوم، تکنولوژی پیشرفته و غیر قابل رقابت ما در جهان توسط رقبایی سر سخت مورد تهدید قرار گرفته است. این گزارش که نتیجه‌ی هیجده ماه مطالعه و بررسی است، نشان می‌دهد که سعادت، امنیت و حیثیت ما در معرض خطر قرار دارد. زمانی ما می‌توانستیم به‌برنامه‌های اجرایی مدارس و کالج‌های خود که نشانه‌ی کوشش یک ملت بود افتخار کنیم، ولی امروز زیربنای آموزش جامعه‌ی ما توسط یک موج متمایل به‌متوسط خواهی مورد تهدید قرار گرفته است (رؤوف ۱۳۷۹، ص ۱۶۱)».

جالب است بدانیم که در این گزارش ضمن اعلام نشانه‌های خطر به‌عوامل مؤثر در افت برنامه‌های آموزشی اشاره شده و از میان آنها، یکی از عوامل این گونه ذکر گردیده است:

انتخاب معلمان از میان دانشجویان ضعیف، زیرا به‌علت شرایط نامطلوب شغل معلمی، این شغل در میان دانشجویان رتبه‌های بالا جاذبه‌ای ندارد و از میان توصیه‌های این گزارش توصیه‌ی زیر نیز جالب توجه است:

معلمان آمادگی بیشتری کسب کنند و جاذبه‌ی شغل معلمی از طرق مختلف تأمین گردد.

نویسندگان کتاب جهان در آستانه‌ی قرن ۲۱ وقتی به‌بحث نقش و هدف آموزش و پرورش می‌رسند، دلسوزانه می‌گویند: «مهم‌ترین

شرط جلوگیری از فاجعه‌ای که در پیش داریم آموزش و پرورش انسان‌هاست. این مسأله هم در کشورهای غنی صادق است و هم در کشورهای فقیر» (ص ۱۶۹).

مؤلف کتاب (تربیت معلم، به‌سوی الگویی تازه برای آموزش معلمان) در ابتدای کتاب خود می‌نویسد: «جای شگفتی است که مبارزه جهانی در راه همگانی ساختن آموزش پایه و بهتر کردن کیفیت آن و افزایش تعهدات ملی و بین‌المللی جهت تسریع در تحقق این هدف‌ها تا پایان دهه‌ی حاضر با بدتر شدن وضعیت تدریس و شرایط کاری معلمان در سطح جهان همراه بوده است. در آغاز این دهه (۱۹۹۱) در دومین گردهمایی سازمان بین‌المللی کار (ILO) در زمینه‌ی شرایط کار معلمان این نتیجه حاصل شد که موقعیت معلمان به (مرحله‌ی فوق‌العاده پایینی) تنزل کرده است. در عین حال خواسته شد که به‌شرایط دلخراش و ناخوشایند معلمان در سراسر جهان و خروج دسته جمعی معلمان واجد صلاحیت و مجرب توجه جدی شود. اما در حال حاضر هیچ نشانه‌ای از بهبود یافتن این وضع مشاهده نمی‌شود و برعکس، قراین نشان می‌دهد که گرایش‌های منفی طی سال‌های اخیر تشدید شده است. آموزش معلم موضوعی است که به‌نحوی خاص مورد غفلت قرار گرفته است. معیارهای مربوط به‌استخدام معلمان آموزش پایه در سرتاسر جهان سیر قهقراپی پیموده و در عین حال مدت زمانی که به‌آموزش معلمان اختصاص یافته، همواره رو به‌کاهش است» (ترجمه‌ی محمدی، ۱۳۷۷، ص ۹).

یافته‌های پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که طی دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم برخی از عمده‌ترین مسائل و مشکلات مربوط به‌معلمان عبارتند از:

- کمبود معلم اعم از معلم حرفه آموخته و معلم حرفه ناآموخته
- میزان تحصیلات ناکافی معلمان
- عدم ارتباط مدرک تحصیلی اکثر معلمان با درس‌هایی که تدریس می‌کردند
- به‌کارگیری معلمان برای تدریس ساعات بیشتر در روز که از توان آنان خارج بود
- بالا بودن نرخ نسبت شاگرد به‌معلم در کشورهای صنعتی

- افزایش فزاینده‌ی نرخ نسبت شاگرد به معلم در کشورهای غیر صنعتی

- گماشتن افرادی که به هیچ وجه و در هیچ کجا آموزش حرفه‌ای ندیده بودند به کار معلمی (رؤوف، ۱۳۷۹).

چهارمین گزارش یونسکو درباره‌ی آموزش و پرورش جهان، به بررسی نقش و منزلت اجتماعی معلمان در جهانی که دستخوش تغییرات سریع است، اختصاص دارد. در این گزارش به نحو متقاعد کننده‌ای استدلال شده است که آنچه در حال حاضر در اکثر کشورها از معلمان انتظار می‌رود با پاداش‌ها و حقوقی که دریافت می‌کنند، تناسبی ندارد (نویدی، ۱۳۸۲، به نقل از آنتون دی گراد ۱۹۹۸). این وضع، جامعه‌ی جهانی را که ۵۷ میلیون معلم در آن مشغول بکارند، نگران کرده و به همین دلیل، تلاش‌هایی برای مطالعه و معرفی راه‌های ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان آغاز شده است.

«اخیراً منتقدی پاره‌ای از خصوصیت‌های منفی معلمی را برشمرده است. او درباره‌ی این واقعیت سخن گفته است که شغل معلمی برای بسیاری از معلمان دومین یا سومین کار آنان بوده است. او بر این عقیده است که بسیاری از داوطلبان معلمی از کسانی که حقوقدان، پزشک یا مهندس می‌شوند استعداد عقلانی کمتری دارند. هنوز حقوق معلم از یک لوله‌کش کمتر است. مقام اجتماعی معلم رضایت بخش نیست. به طور خلاصه جای هیچ‌گونه شگفتی نیست که هر سال بسیاری از معلمان شغل معلمی را ترک می‌گویند و کمبود کادر واجد شرایط همواره بیشتر می‌شود. بدتر از همه این‌که بیشتر وقت‌ها ما به معلمانی برمی‌خوریم که شغل معلمی را با امیدهای فراوان برگزیده‌اند، ولی پس از چند سال خسته و سرخورده گشته‌اند. بعضی از آنان دیده‌اند که برای پرورش فردی وقت کافی ندارند، کلاس‌ها خیلی پر جمعیت اند و شاید هوش‌بهر دانش‌آموز بسیار کم باشد. بعضی دیگر ممکن است شکایت داشته باشند که مدیران فاقد نیروهای خلاقه‌اند، شوراها زیاد و کاغذبازی فراوان است، معلمان متأهل معمولاً در پی کار دیگری بر می‌آیند که بتوانند زندگی کنند، بعضی دیگر از دستمزدهای زیاد امور صنعتی به‌وسوسه می‌افتند و بعضی هم به امید درآمد بیشتر، کلاس‌ها را

می‌کنند و به‌صفت کارمندان اداری می‌پیوندند» (ترجمه‌ی فیاض، ص ۵۱۴).

بختیارپور و عابدی (۱۳۸۲) در مطالعه‌ی خود پیرامون وضعیت بهداشت روانی معلمان استان اصفهان به این نکته اشاره کرده‌اند که اکثر مطالعات در دنیا، معلمان را با سایر متخصصان مقایسه کرده‌اند و غالباً دریافته‌اند که معلمان مدارس یکی از بالاترین و اغلب بیشترین سطوح استرس شغلی را گزارش کرده‌اند (کویر و کلی، ۱۹۹۳، کوکس و بروکلی، ۱۹۸۴، کایر یاکو، ۱۹۸۰، به نقل از وفایی، ۱۳۷۹). این دو پژوهشگر در مرور مطالعات انجام شده‌ی قبلی موارد زیر را مطرح نموده‌اند: «پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور نیز نشان داده که استرس و اختلالات روانی در بین معلمان شیوع نسبتاً زیادی دارد. به عنوان مثال: رضایی (۱۳۶۸) با مطالعه‌ی نمونه‌ای شامل ۴۱۳ نفر معلم دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی شهر شیراز دریافت که یک چهارم معلمان، درجه‌ی بالای استرس شغلی را تجربه می‌کنند و معلمان مرد نسبت به معلمان زن استرس بالاتری دارند. آگیلار وفایی (۱۳۷۹) میزان شیوع استرس شغلی در معلمان ابتدایی را ۴۵/۸ درصد و در دبیران دوره‌ی متوسطه ۳۵/۸ درصد از یک گروه نمونه‌ی ۱۶۰ نفره از معلمان ابتدایی و متوسطه تهران را گزارش نموده است. امیددی (۱۳۸۰) در بررسی وضعیت بهداشت روانی معلمان شهر کاشان دریافت که ۲۳ درصد از معلمان جامعه‌ی آماری مورد مطالعه‌اش، به یکی از انواع اختلالات روانی دچار هستند».

نتایج مطالعه‌ی این دو پژوهشگر (بختیارپور و عابدی ۱۳۸۲) نشان داد که ۲۶/۶۵ درصد افراد مورد مطالعه (گروه نمونه ۱۶۴۶ نفری از معلمان زن و مرد سه دوره‌ی تحصیلی ابتدایی، راهنمایی متوسطه استان اصفهان) از نظر بالینی تشخیص بیمار دریافت کرده‌اند. بالاترین درصد ابتلا در معلمان دوره‌ی ابتدایی و کم‌ترین میزان در معلمان دوره‌ی راهنمایی گزارش شده است.

بی‌توجهی به آمارهای فوق پیامدهای ناگواری برای معلمان و خانواده‌ی آنان در پی خواهد داشت. استرس و فشارهای عصبی زمینه‌ساز بروز بسیاری از بیماری‌های جسمانی (بیماری‌های روان-تنی) از جمله انواع سردردهای عصبی، ناراحتی‌های

گوارشی و معدی، تغییرات فشار خون طبیعی، بروز سکتته‌های مغزی و... خواهد شد.

راه‌های ارتقای منزلت اجتماعی معلمان عنوان مطالعه‌ای است که توسط نویدی و برزگر (۱۳۸۲) انجام گرفته است. این دو پژوهشگر نتایج پژوهش خود را که آزمودنی‌های آنرا معلمان تهرانی تشکیل می‌داد، به شرح زیر اعلام نموده‌اند:

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ۶۳/۹۳ درصد نمونه مورد مطالعه، منزلت اجتماعی معلمان را نسبت به دارندگان مشاغل دیگر پایین ارزیابی کرده‌اند. حدود ۵۵ درصد از معلمان مورد مطالعه معتقدند که در جامعه‌ی ما معلمی شغل مهم و با ارزش تلقی نمی‌شود و ۵۸/۴۷ درصد افراد نمونه بیان کرده‌اند که شغل معلمی را برای فرزندان خود مناسب نمی‌دانند (ص ۷۳).

این دو پژوهشگر در پیشینه‌ی پژوهش خود شواهدی را از کاردان (۱۳۵۴)، خزایی (۱۳۷۹)، پناهی (۱۳۷۳)، حضرتی (۱۳۷۹) قره‌آجی و همکاران (۱۳۶۷) مختاری (۱۳۷۲)، یاری (۱۳۷۵)، رضوی اسکندانی (۱۳۷۳)، به نقل از جی واد (۱۳۷۴)، ایضی (۱۳۷۶) آورده‌اند مبنی بر این که معلمان ایران نسبت به دارندگان مشاغل دیگر منزلت اجتماعی پایین‌تری دارند (ص ۷۳).

مطالعه‌ی عابدی و عربی (۱۳۸۲) در زمینه‌ی میزان آشنایی معلمان دوره‌ی ابتدایی با نظریه‌ی یادگیری و به کارگیری آنان در فرآیند تدریس در استان اصفهان (سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸) نتایجی را به دست داده است که بخشی از آنها به شرح زیر است.

- ۱ - میزان معلومات و آگاهی معلمان دوره‌ی ابتدایی گروه نمونه از نظریه‌های یادگیری در سطح پایین است.

- ۲ - بین میزان معلومات و آگاهی معلمان زن و مرد دوره‌ی ابتدایی از نظریه‌های یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که میانگین نمره‌های آنان در تمام نظریه‌های یادگیری اختلاف داشته است و میانگین کل نمره‌های معلمان زن ۸/۷ و میانگین کل نمره‌های معلمان مرد ۵/۶ بوده است.

- ۳ - بین معلومات و آگاهی معلمان دوره‌ی ابتدایی از نظریه‌های یادگیری و مدت سابقه‌ی تدریس آنان تفاوت معناداری

وجود ندارد، به طوری که با افزایش مدت سابقه‌ی تدریس معلمان میانگین نمره‌های آنان افزایش و یا کاهش نداشته است (ص ۵۹).

ملاحظه می‌شود با توجه به مطالعاتی که در این زمینه انجام گرفته است، وضعیت موجود معلمان در اکثر جوامع و از جمله کشور ما، مطلوب نبوده و انتظار منطقی از مسؤولان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و سیاست‌گذاران و دولتمردان و در نهایت کلیه‌ی اقشار جامعه آن است که نسبت به این امر مهم حساسیت نشان دهند و گام‌های مؤثری در این زمینه بردارند و با انجام اقدامات مهم خود، قدری از شعارها فاصله گیرند. بنابراین در ادامه‌ی این بحث به بخش دوم یعنی چشم‌انداز آینده و انتظارات و امیدها در مورد نقش معلم در تعلیم و تربیت می‌پردازیم.

### چشم‌انداز آینده

مطالعات و نتایج حاصل از آن که در قسمت قبل به آن اشاره کردیم و از طریق آن به ترسیم وضعیت موجود پرداختیم، راهگشا و هدایتگر ما در تعیین چشم‌انداز آینده خواهد بود.

چشم‌انداز آینده‌ی معلمان با توجه به وضعیت کنونی و هم‌چنین انتظاراتی که از یک نظام تعلیم و تربیت مطلوب می‌رود، در چند محور زیر قابل بررسی است.

- ۱ - تلاش و کوشش همه جانبه جهت بهبود برنامه‌های تربیت معلم و استخدام و گزینش معلمان شایسته و علاقمند به حرفه‌ی معلمی.

مؤلف کتاب تربیت معلم، به سوی الگوی تازه برای آموزش معلمان می‌نویسد:

آموزش معلم موضوعی است که به نحوی خاص مورد غفلت قرار گرفته است. هنوز هم در تعیین خط مشی‌های آموزشی جایگاهی فرعی به آموزش معلم داده می‌شود و معمولاً از حیث تخصیص بودجه بسیار بعد از ساختمان مدارس و کتاب‌های درسی جای می‌گیرد. این مسأله عمومی که معلمان چه و چگونه یاد می‌گیرند، به یادگیری چه چیزهایی نیاز دارند و چه می‌خواهند فرا گیرند، موضوعی است که تحقیقی منظم درباره‌ی آن صورت



نگرفته است.

معیارهای مربوط به استخدام معلمان آموزش پایه در سرتاسر جهان سیر قهقریایی پیموده و در عین حال، مدت زمانی که به آموزش معلم، هم قبل و هم ضمن خدمت، اختصاص یافته همواره رو به کاهش داشته است (ماریا تورس، ترجمه‌ی محمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۰).

حرفه‌ی معلمی از جمله مشاغل حساس و پر اهمیتی است که هر کسی نمی‌تواند به‌سادگی از عهده‌ی مسئولیت خطیر آن بر آید. بنابراین توجه به دو نکته در تربیت معلمان ضروری است.

نکته‌ی اول این‌که قبل از هر چیز در گزینش و انتخاب افراد برای حرفه‌ی معلمی دقت فراوان به‌عمل آید تا افرادی انتخاب شوند که حداقل از دو ویژگی اساسی یعنی عشق و علاقه وافر به حرفه‌ی معلمی و تیزهوشی و ذکاوت لازم برخوردار باشند. در واقع افرادی انتخاب گردند که از نظر ویژگی‌های شخصیتی و هوشی، شایسته‌ی این حرفه باشند. بنابراین لازم است ملاک‌ها و معیارهای حقیقی و معتبر جهت تعیین صلاحیت‌های حرفه‌ی معلمی قبل از ورود به آن تهیه گردد و افراد قبلاً با این ملاک‌ها ارزیابی شوند. چه بسیارند معلمانی که از هوش و دانش بسیار بالایی برخوردارند، اما به‌لحاظ ویژگی‌های شخصیتی از قبیل عشق و علاقه به حرفه‌ی معلمی و ایمان و اعتقاد به آن، احترام به دانش‌آموزان صرف نظر از میزان هوش و تلاششان و در کل سلامت روان، شایسته‌ی حرفه‌ی معلمی نبوده و دانش‌آموزان کلاس خود را با مشکلات متعددی مواجه می‌سازند. عکس این مطلب نیز در مورد معلمان کم دانش و دارای حداقل دانش و تخصص علمی در کار خود صادق است. بر جسته‌ترین ویژگی یک معلم آن است که بداند چگونه با دانش‌آموز به‌عنوان یک انسان ارتباط برقرار کند.

نکته‌ی دوم: بعد از انتخاب افراد شایسته و لایق برای حرفه‌ی معلمی، ارائه آموزش‌های لازم و توانمندسازی آنانست. لازم است با بازنگری برنامه‌های جاری تربیت معلم سعی شود نقائص و اشکالات آن شناسایی و برطرف شود و از طریق آموزش‌های صحیح و اصولی، دانش علمی و تخصصی معلمان و هم‌چنین

مهارت‌های حرفه‌ای آنان به‌سطح مطلوب برسد. در دوره‌ی تربیت معلم تلاش بر آن است که معلمان آینده به‌اطلاعات، توانایی‌ها و مهارت‌ها و نیز نگرش‌های ضروری برای انجام وظیفه خطیر تدریس مجهز شوند (عابدی ۱۳۸۲).

۲- توجه به آموزش‌های مستمر و ضمن خدمت معلمان:

به‌گفته‌ی فردریک مایر شغل معلمی یکی از خلاق‌ترین مشاغل بشری است. معلمان نباید به‌دانش و مهارت‌های یاد گرفته‌ی قبلی خود اکتفا کنند. اطلاعات و دانش آنان باید به‌روز باشد و به‌شیوه‌ای خلاقانه عمل نمایند. بنابر دیدگاه سنتی، آموزش ضمن خدمت به‌صورت آموزش مهارت‌های تدریس طی دوره‌های خاص، متفرق و پراکنده بدون ارتباط با یکدیگر عرضه می‌شده‌اند ولی از نظر کمیسیون آموزش ضمن خدمت کنفرانس بین‌المللی آموزش انگلیسی، آموزش ضمن خدمت به‌عنوان عامل اساسی در فرآیند آموزش مادام‌العمر در نظر گرفته شده است که طی آن، معلمان از طریق اعمال متفکرانه به‌رشد حرفه‌ای نایل شوند (امام جمعه و رضوانی، ۱۳۸۲ ص ۱۱۲).

صلاحیت اولیه‌ی معلم بیشتر در مهارت انتقال آموزش آشکار می‌شود. به‌موازات پخته‌تر شدن معلمان، تجربه، مطالعه و تفکر به آنان کمک می‌کند تا نگرش و فلسفه خود را توسعه بخشند. معلمان باید فرصت‌هایی داشته باشند تا به‌طور عمیق با کاری که از نظر علمی چالش بر انگیزه است، درگیر شوند.

معلمان چه در قالب آموزش‌های ضمن خدمت و چه در قالب فعالیت‌های آموزشی و تدریس خود باید به‌دوراز دغدغه‌ها و مشکلات زندگی، روز به‌روز بر اطلاعات و دانش خود بیفزایند و طراوت و تازگی و یادگیری مداوم را سر لوحه کار خود قرار دهند. معلمی حرفه‌ای شورانگیز است. در هیچ شغل دیگری به‌اندازه‌ی معلمی خرسندی عظیم و بادوام وجود ندارد. در بازرگانی حتی پس از این‌که دارا بشویم، ممکن است احساس بی‌حاصلی کنیم، زیرا امکان این وجود دارد که مایملک مادی سر آغاز نگرانی روحی باشد. در حقوق ممکن است احساس انزجار به‌ما دست بدهد زیرا به‌اجبار از کسانی باید دفاع کنیم که ارزش ندارند، اما در معلمی، نفس خود را برتر می‌بریم و توانایی این را به‌دست می‌آوریم که

به شخصیت تکامل یافته خود پی ببریم (مایر، ترجمه‌ی فیاض، ۱۳۷۴، ص ۵۱۶).

### ۳- احیای جایگاه و پایگاه حقیقی معلمان در جامعه:

در قسمت اول این نوشتار یعنی در بررسی وضعیت موجود، نمونه‌ای از نتایج مطالعات و پژوهش‌های انجام گرفته پیرامون مقام و منزلت اجتماعی معلمان و هم‌چنین بهداشت روانی معلمان را ذکر نمودیم. ملاحظه کردیم که نتایج این مطالعات چه در داخل کشور و چه در خارج نشان می‌دهد که علی‌رغم اهمیت بسیار زیادی که حرفه‌ی معلمی دارد، اما در جامعه از جایگاه خوبی برخوردار نیست و حتی خود معلمان معتقدند از منزلت اجتماعی پایینی برخوردار دارند و به‌قول فردریک مایر هنوز هم دانش‌آموزان خاطر نشان می‌سازند که در میان حرفه‌هایی که بر می‌گزینند، معلمی در آخرین مرحله قرار دارد. بخشی از این احساس را ممکن است با کمی حقوق این شغل در بسیاری از کشورها و منبهاتی که هنوز آفت شغل معلمی به‌شمار می‌روند، توجیه کرد (ص ۵۰۵).

محققان پس از بررسی منزلت اجتماعی معلمان، برخی از روش‌ها را برای ارتقای منزلت اجتماعی معلمان به‌شرح زیر پیشنهاد می‌نمایند:

۱-۳ - ارتقای جایگاه تعلیم و تربیت از طریق تغییر سیاست‌های کلان کشور: زمانی که این باور قلبی به‌وجود آید که سیاست‌های کلان کشور تغییر می‌یابند، منابع انسانی اهمیت پیدا می‌کنند. به‌تعلیم و تربیت در میان سایر گزینه‌های سرمایه‌گذاری اولویت داده می‌شود. نگرش و تصورات غلط مسئولان و مردم در مورد نسبت دادن نقش مصرف‌کننده به‌آموزش و پرورش اصلاح می‌گردد و نقش تولیدی نظام آموزشی به‌رسمیت شناخته می‌شود.

۲-۳ - تأمین امکانات رفاهی و رفع فقر و محرومیت از زندگی معلمان: واقعیت این است که بسیاری از معلمان در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اکثر آنان بیش‌تر از یک نوبت کار می‌کنند یا علاوه بر ساعات موظف، به‌تدریس در مدارس غیر انتفاعی، آموزشگاه‌ها یا تدریس خصوصی مشغول می‌شوند تا بتواند امرار معاش کنند طبق آمارهای موجود در کشورهای در حال توسعه، هر سال عده‌ی کثیری از معلمان به‌علت پایین بودن حقوق و مزایا و در نهایت

پایین بودن پایگاه و مرتبه‌ی اجتماعی تغییر شغل می‌دهند، در حالی که در کشورهای توسعه یافته، حقوق و دستمزد معلم در شرایط مساوی بالاتر از سایر مشاغل است و معلمان از تأمین شغلی قابل توجهی برخوردارند (به‌نقل از جی واد، ۱۳۷۴).

۳-۳ - اصلاح شیوه‌های تأمین و تربیت معلم: زیباترین طرح اصلاح و بازسازی نظام آموزشی در صورتی که معلم به‌تعداد کافی و با کیفیت مطلوب در اختیار نباشد با شکست رو به‌رو خواهد شد (پیاژه به‌نقل از صافی، ۱۳۷۶) وقتی قرار باشد میلیون‌ها کودک در مدارس نگهداری شوند، چاره‌ای جز این نیست که هر کس با هر کیفیتی به‌عنوان معلم به‌کار گمارده شود تا در نهایت بچه‌ها را نگه دارد. در گزینش‌ها به‌جای این‌که به‌ویژگی‌های مطلوب شخصیتی اعم از شناختی و روانی و به‌طور کلی صلاحیت‌های مربوط به‌حرفه‌ی معلمی توجه شود، مسائل ظاهری و سطحی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴-۳ - تمرکززدایی و اعمال سیاست مشارکت همه جانبه‌ی معلمان در آموزش و پرورش: با توجه به‌مجموعه‌ی تکالیف و مسؤلیت‌هایی که جامعه از معلمان انتظار دارد، می‌توان گفت که مشارکت همه جانبه در آموزش و پرورش حق معلمان است، اما این حق به‌طور کامل به‌رسمیت شناخته نشده و در حال حاضر انتظارات مردم و مسئولان از معلمان، بیش از اختیاراتی است که به‌آنان داده شده است. فراهم کردن زمینه‌ی مشارکت همه جانبه‌ی معلمان در مدیریت آموزش و پرورش کشور به‌منظور افزایش کارایی نظام آموزش ضرورت دارد و این ضرورت به‌سیاست‌های کلان دولت برگردد.

۵-۳ - ایجاد تشکل‌های صنفی برای دفاع از حقوق معلمان و حریم تعلیم و تربیت.

۶-۳ - استقرار انضباط اجتماعی و اقتصادی در جامعه: ما از نظریه‌ی سیستمی آموخته‌ایم که آموزش و پرورش به‌عنوان یک نظام، تحت تأثیر نظام‌های بزرگی است که آن را احاطه کرده‌اند. منزلت اجتماعی افراد گروه‌ها در مقایسه با افراد و گروه‌های دیگر معنا پیدا می‌کند. به‌نظر می‌رسد وجود بی‌نظمی‌های اقتصادی و اجتماعی و به‌همراه آن وجود ثروت‌ها و موقعیت‌های باد آورده

شأن اجتماعی معلمان را تنزل داده، سبب آن شده است که گروه‌های بی‌هویت در جایگاهی بالاتر از معلمان قرار گیرند. برای مثال، شغل آزاد که ماهیت چندان مشخصی ندارد در جامعه‌ی ما اهمیت و ارزش خاص پیدا کرده است.

۷-۳- افزایش کارآیی نظام آموزشی از طریق اصلاح مدیریت نیروی انسانی: شواهد موجود نشان می‌دهد که مدیریت نیروی انسانی در وزارت آموزش و پرورش به مشکلات متعددی دچار است. صاحب‌نظران مورد مصاحبه اعتقاد دارند که در آموزش و پرورش انتصاب‌ها بر اساس معیارهای علمی و تخصصی انجام نمی‌پذیرد، ملاک‌های ارزشیابی مناسب نیست و حتی التزام به رعایت ملاک‌های ارزشیابی وجود ندارد، نظام شایسته‌سالاری حاکمیت ندارد و توزیع فرصت‌ها در میان کارکنان آموزش و پرورش عادلانه نیست (نوییدی و بزرگ، ۱۳۸۲).

## سخن پایانی

توجه خاص به موضوع تربیت معلم در کشورهای پیشرفته از این اعتقاد سرچشمه می‌گیرد که هیچ تغییر مطلوب در نهاد آموزش و پرورش صورت نخواهد گرفت مگر آن‌که معلمان شایسته و مستعد برای آن تربیت شود. تنها از طریق اصلاح نظام آموزشی یک کشور و توجه ویژه به آن است که می‌توان انتظار پیشرفت و ترقی را از آن جامعه داشت.

میزان هوشمندی مدیران و سیاست‌گذاران هر جامعه در اولویت قائل شدن برای توسعه‌ی انسانی در جهت نیل به اهداف توسعه را می‌توان از میزان اهتمام آنان به دستگاه تعلیم و تربیت در یافت... باید گفت هم‌چنان که اهتمام حقیقی نسبت به توسعه در گرو اهتمام نسبت به توسعه‌ی انسانی است و اهتمام به توسعه‌ی انسانی در گرو اهتمام نسبت به دستگاه تعلیم و تربیت است و اهتمام به دستگاه تعلیم و تربیت بیش و پیش از هر چیز باید در اهتمام نسبت به تربیت معلم باز آفرینی شود، چرا که هیچ عقل سلیمی را یارای انکار این واقعیت تلخ یا شیرین نیست که معلم و کارآیی و کفایت او آینه تمام نمای کفایت و کارایی آموزش و پرورش است (مهرمحمدی، ۱۳۸۲). با این توصیفات دیگر جایی

برای بی‌توجهی و به‌سادگی گذاشتن از کنار این واقعیت نمی‌ماند که پیشرفت و توسعه همه جانبه و پایدار جامعه مرهون توجه هرچه بیشتر نسبت به امر تعلیم و تربیت معلمان کارآمد و مؤثر است. به امید این که روزی به این حقیقت اساسی عمیقاً پی ببریم و شعارهای خود را به عمل تبدیل کنیم.

## منابع

- قران مجید
- امام جمعه‌زاده، سید محمد رضا و محمود سعیدی رضوانی (۱۳۸۲). پژوهش حین عمل رویکردی نو در آموزش ضمن خدمت معلمان. فصلنامه‌ی تعلیم و تربیت، سال‌های هیجدهم و نوزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲.
- بختیارپور دشت‌بزرگ، پروین و محمد رضا عابدی (۱۳۸۲) بررسی وضعیت بهداشت روانی معلمان استان اصفهان در سال تحصیلی ۸۰-۷۹، فصلنامه آموزه، شماره ۱۷، بهار ۸۲
- روزا، ماریاتوری، تربیت معلم، به‌سوی الگویی تازه برای آموزش معلمان، ترجمه‌ی فریبرز محمدی (۱۳۸۰) پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- رؤوف، علی (۱۳۷۹) جنبش جهانی برای بهسازی و تربیت معلم، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- عابدی، لطف‌علی (۱۳۸۲) تأملی بر سطوح سه‌گانه برنامه درسی دوره کاردانی تربیت معلم، فصلنامه‌ی تعلیم و تربیت، سال‌های هیجدهم و نوزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲.
- عابدی، احمد و حمیدرضا عریضی (۱۳۸۲) بررسی میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با نظریه‌های یادگیری و به‌کارگیری آنها در فرآیند تدریس در استان اصفهان در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸، نمایه پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
- محسن‌پور، بهرام (۱۳۸۲). نقش تربیتی معلم در فرآیند تعلیم و تربیت، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال‌های هیجدهم و نوزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲.
- مهرمحمدی، محمود، ۱۳۷۹ تربیت معلم اولویت اول جنبش جهانی برای بهسازی و تربیت معلم، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- مایر، فردریک، تاریخ اندیشه‌های تربیتی. ترجمه علی اصغر فیاض (۱۳۷۴) سمت.
- میرشاه‌جعفری، ابراهیم (۱۳۸۰) بررسی عوامل مؤثر در انتخاب شغل معلمی در میان دانشجویان مراکز تربیت معلم اصفهان، نمایه پژوهشی آموزش و پرورش استان اصفهان.